

سخنگوی دولت خطاب به جلیلی:

دوستان در سایه  
به روشنی بیایند



۱

چهارشنبه ۲۱ آذر ۱۴۰۳ - ۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ - ۱۱ دسامبر ۲۰۲۴

روزنامه

# شهید

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

برخی نمایندگان پیشنهاد کردند

«چکش کاری»  
قانون حجاب و عفاف



۲

سال نهم - شماره ۲۵۵۹ - ۸ صفحه - قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

موافقان و مخالفان چه می‌گویند؟

## هزینه‌های ایران در سوریه

چند دلیل داشت که یکی از دلایل مهم و شاید اولین آن‌ها حمایت همه جانبه ایران از بشار اسد بود. به دلیل وجود حرم دو تن از اهل بیت پیامبر در سوریه ( یعنی حضرت زینب و حضرت رقیه) مردم ایران از قرن‌ها پیش به این سرزمین رفت و آمد و ارادت داشتند. همان چیزی که باعث شد تلاش ایران برای حفظ اسد رنگ و بوی مذهبی بگیرد.

همدلی با خروج بشار اسد از سوریه و انفعال ارتش این کشور مخالفان مسلح حکومت اسد که پیش از این یک هم بخت خود را برای گرفتن حکومت و برکناری بشار اسد آزموده بودند، این بار موفق شدند که پایتخت را تصرف کنند. کاری که حدود ۱۰ سال پیش هم با پشتیبانی مالی و تسلیحاتی برخی کشورهای دیگر می‌خواستند به انجام برسانند و نتوانستند. این نتواستن نیز



روغن نیز به زودی افزایش  
قیمت را تجربه می‌کند

نگرانی چرب!



گمانه‌زنی‌ها درباره حضور کارگردان‌های  
جنجالی در جشنواره فجر ادامه دارد

سینمای ممنوعه



نشستن طولانی مدت روی صندلی،  
انسان را در معرض چاقی قرار می‌دهد

آسایش خطرناک!

یادداشت‌ها

واقعیت صحنه سوریه



حمیدرضا عظیمی  
روزنامه‌نگار

۱

رویکرد دوگانه حماس



دکتر سیف‌الرضا شهابی  
فعال سیاسی

۱

سوریه ۱۰ روزه



عباس مدحجی  
روزنامه‌نگار

۱

قاچاقچیان محصولات دخانی به راحتی قانون را دور می‌زنند

## آتش سیگار زیر پای اقتصاد

یادداشت

سوریه ۱۰ روزه

عباس مدحجی - از زیرپوش شبکه خبر درباره باگرفتن گروه جدید تروریستی در سوریه تا پاپین کشیدن پرچم سوریه در ایران به علت پیروزی شدن افراد مسلح! فقط ۱۰ یا ۱۲ روز فاصله بود. گویی سوریه جدیدی متولد گشته که هنوز ۱۰ روزه است. کشوری با پرچم سه رنگ، سبز نماد خلفای راشدی، سیاه نماد خلفای عباسی و سفید نمادی از خلفای اموی و سه ستاره پایتخت ایشان؛ دمشق، حلب و دیرالزور. کمتر کسی گمان می‌کرد سوریه‌ای که سال‌هاست درگیر جنگ داخلی و خارجی است و برای بقای حکومت به نام جمهوری، به کام موروثی‌اش، گاهی به نعل ایران و روسیه می‌زد و گاهی به میخ کشورهای عرب، با ظهور چیزی به نام «تحریر الشام» خواهد قافیه را ببازد. آن‌هم وقتی ایران در آغاز قرص و محکم کنارش بود و در عرض چند ساعت حتی لحن گزارشگرش در تلویزیون را هم تغییر داد. حکومت ۵۰ و چند ساله و موروثی خانواده اسد در حمله اخیر طی ۱۰ روز سقوط کرد و «بشار» با میراثی از خرابی و بدنامی به روسیه‌ای پناهنده شد که بعید نیست با دست‌فرمایش سوریه به این وضعیت دچار شده باشد.

فراموش نکنیم که این ۱۰ روز، محصول ۵۰ سال حکومت‌داری اسد‌هاست. شاید خود «بشار» هم فکرش را نمی‌کرد که تصاویر هول‌برانگیز منتشر شده طی چند روز اخیر از زندانهای مخوف و زیرزمینی بعد از فرار مفتضحانه‌اش، آخرین تصویر ثبت شده حکومتش در ذهن جهان باشد. امیدوارکننده‌ترین صحنه‌های این جهان هستی به عدالت همین است که دیکتاتورها، خود شاهد سقوط مجسمه‌هایشان باشند و شاید شما هم تصویر ادرار دو طفل سوریه روی سر مجسمه حافظ اسد را دیده باشید.

زندانیانی از عراق، سوریه، لبنان و چه بسا کشورهای دیگر آن قدر در این زندان‌ها مانده‌اند که حتی خانواده‌هایشان هم فراموششان کرده‌اند. زنان و کودکانی در اتاق‌های تاریک که حتی باورش نمی‌شد اسد سقوط کرده است. زندانیانی که موبایل را نمی‌شناختند یا حتی نمی‌دانستند «حافظ» مرده و حکومت دست «بشار» بوده است. «رغد التظری» خلبنی که زمان قیام علیه حافظ اسد در سال ۱۹۸۰ از بمباران شهر «حمه» خودداری کرده بود، پس از ۴۳ سال از زندان آزاد شد. زندان مخوف «صدانایا» که به مثابه برای سوری‌ها تبدیل شده بود؛ «من دخل فیها مفقود و من خرج منها مولودا» زندانی متشکل از چندین شبکه پیچیده امنیتی و زیرزمینی که فاتحان سوریه را مجبور کرد برای حل پازل آن، یافتن محل زندانی‌ها و آزاد کردنشان، دست به دامان ارتشی‌های فراری سوریه شوند و با تلفن راه و چاهش را ببرند.

«پوتین» با پذیرش «بشار» و خانواده‌اش لعنت ابدی مردم سوریه را به جان خرید، اما ایران ضمن پذیرش سریع این وضعیت، پایین آوردن پرچم فعلی سوریه و تغییر ادبیات رسانه‌ای و دیپلماتیکش نشان داد حداقل فعلا نمی‌خواهد آه سوری‌ها دامنش را بگیرد؛ ایرانی که سال‌ها کمک‌های مالی، مستشاری و دیپلماتیک راهی دمشق کرده و تعدادی از فرزندانش را در مرزهای سوریه و کنار حرم‌های مقدس شیعیان تقدیم کرده بود، اکنون کجای کار است؟ اکنون می‌بیند سال‌ها مخارج رفاقت با کسی را پرداخته که امروز باید پیران، کودکان، مخالفان سیاسی و فعالان اجتماعی و حتی زنان خانه‌دار را در زندان‌هایش جستجو کرد و دنیا نظاره‌گر تصویر این جنایات است.

جالب که حماس هم از این سقوط خوشحال است. توثیت دختر هنیه هم گواه است. ایران متحد استراتژیک خود را نه در این جنگ که از مدتی قبل از دست داده بود. از وقتی که چرخش «بشار» را به امید صلح به سمت عرب‌روس دید و حدس زد این «بشار» دیگر آن «بشار» قبل نیست. از وقتی که به مستشاران ایرانی در دمشق، مسکن ندادند و مکان‌های مهمشان لو رفت. همین شد که «بشار» امروز مهمان روس‌هاست و نه ایران. همین شد که لشکر «فاطمیون» هم مقاومتی نکرد و ایران را به‌جای صفحه‌گردان، نظاره‌گر کرد. همین شد که اولویت حفظ سوریه از استان خوزستان هم کمتر شد و عراقچی گفت: «ما به تصمیم مردم سوریه احترام می‌گذاریم!» احترامی که معلوم نیست این همه سال کجا بود و اینکه حاصل محور مقاومت و جان فدا شده فرزندان ایران در این مرزها چیست؟

آن سوی ماجرا، اما «تحریر الشام» است؛ گروهی که گویا تمته داعش بود، ریبزیندینگ سیاسی است و طی ۱۰ روز دمشق را گرفت. گروهی که کاری به حرم‌های مقدس شیعه نداشت، حجاب را اختیاری کرد، نزدیک شدن و تخریب اماکن دولتی و بانک‌ها را ممنوع کرد و فروشگاه‌های مشروبات الکلی را تخریب. گروهی که به خاطر قدرت خودش که بیشتر بخاطر ارتش مضمحل سوریه، نبود سرمایه اجتماعی حکومت، ناراضی و گسترده مردم، مستگی مردم از جنگ‌های مکرر و فشار روانی آن، تحمل ۵۳ سال حکومت خانواده اسد و اقتصاد متلاشی موفق شد مهر پایان اسدها را بزند. در این بین گروه‌های معارض دیگر هم مخالفتی نکردند. حال باید دید این نسخه جدید که حاصل توافق قدرت‌های منطقه و فرمانطقه است، تا چه حد التیام دردهای مردم سوریه که از بهار عربی جامانده بودند، خواهد شد. تا اینجا کار که بخش براندازی اسد و آزادسازی انسان‌ها از فراموشخانه‌های او به مذاق سوری‌ها خوش آمده است. امید که عفو عمومی اعلام شده مثل دیگر اعدامیان زیر دستگاه پرس کشف شده در اتاق اعدام زیر زمین زندان صیدانیا نرود و سوریون بعد از سال‌ها طعم زندگی بهتری را بچشند.

روزنامه‌نگار

یادداشت

رویکرد دوگانه حماس در تحولات سوریه

دکتر سیف‌الرضا شهبایی - بعد از حوادث اخیر در سوریه که حکومت یعنی بشار اسد از دایره قدرت خارج شد و مخالفان مسلحش، قدرت را در اختیار گرفتند، در اخبار آمده دختر «اسماعیل هنیه» ابراز خوشحالی کرد و در پی آن، حماس طی بیانیهای موقفیت مخالفان را تبریک گفت. این مسئله سبب تعجب بسیاری از اشخاص شد و در پی آن، این سؤال مطرح شد؛ در حالی که هر دو در محور مقاومت قرار داشته و ارتباط نزدیکی با تهران داشتند. چرا و به چه دلیل یکی از اضلاع محور مقاومت از حذف ضلع دیگر اظهار رضایت و ششادمانی کرد؟

در زمان ریاست جمهوری حافظ اسد، اخوان‌المسلمین سوریه با او زاویه پیدا کردند و به مخالفت برخاستند. به طوری که در سال ۱۹۸۲ اسد تظاهرات اعتراض‌آمیز اخوانی‌ها در شهر «حمه» را سرکوب کرد و تعداد زیادی کشته شدند. از آن زمان، اخوانی‌های سوریه بر آن شدند از هر امکانی برای تقابل با اسد تا حد سرنوشتی استفاده کنند.

بعد از این که حماس در سال ۱۹۸۷ تشکیل شد و مقابل اسرائیل قرار گرفت؛ با این که حماس ریشه اخوانی دارد، مع‌الوصف اسد به حمایت از حماس برخاست. دفتر حماس در دمشق تشکیل شد و رهبران سیاسی حماس در دمشق فعال شدند. علت حمایت سوریه از حماس، این بود که حماس راه خودش را از یاسر عرفات جدا کرده بود. از آنجایی که بین اسد و عرفات شرکاب شده بود اسد ترجیح داد از رقیب اخوانی عرفات حمایت کند!

بعد از این که بهار آمریکایی با نام کذایی بهار عربی راه افتاد و حکومت‌های عربی در تلاطم قرار گرفتند و یکی بعد از دیگری سرنوشت شدند، اخوانی‌های مصر با چراغ سبز آمریکا قدرت گرفتند. اردوغان هم بر آن شد از موقعیت استفاده کند، با حمایت از اخوانی‌های سوریه، آنها را علیه بشار اسد بشوراند و به قدرت برساند و به این ترتیب دایره قدرت و نفوذ ترکیه گسترده‌تر شود.

در آن زمان حماسی‌ها که در سوریه بر سر سفره حکومت نشسته بودند، در حمایت از اردوغان اخوانی و اخوان‌المسلمین سوریه علیه بشار برخاستند و دفترشان را به قطر که با اردوغان همگام و همراه است، منتقل کردند. رهبران حماس، سوریه را به مقصد قطر ترک کردند؛ به این امید که بعد از سقوط سریع بشار اسد به دمشق بازگردند.

با سقوط محمد مرسی اخوانی در مصر و کمرنگ شدن بهار آمریکایی و حمایت روسیه و ایران از «بشار»، تغییری در حکومت سوریه ایجاد نشد. آنها با تشکیل مثلث اردوغان، حماس و قطر در پی فرصت مناسب بودند تا «بشار» را از قدرت خلع کرده و جشن پیروزی بر پا کنند.

بعد از شروع طوفان الاقصی، بشار اسد با شناختی که از حماسی‌ها پیدا کرده بود روی خیلی خوشی نشان نداده و سعی می‌کرد کج‌دار و مریز رفتار کند. اکنون که «بشار» از صحنه خارج شده، حماسی‌ها هم‌ای گروه‌های مسلح سوریه، جشن پیروزی گرفته و پیام تبریک دادند. در حالی که شواهد حاکی از آن است بعد از سقوط حکومت اسد در سوریه، گروه‌های مسلح چراغ سبز برای تل‌آویو روشن کرده و فضا را برای مانور اسرائیل در سوریه باز کردند؛ تا جایی که اسرائیل از یک سو، قسمت‌هایی از خاک سوریه را اشغال کرده و از دیگر سو در حال از بین بردن تمام تأسیسات نظامی سوریه است. شواهد نشان می‌دهد بیشترین بهربرداری را اسرائیلی می‌کند که حماس، آن را دشمن می‌داند و مدعی است برای نابودی رژیم صهیونیستی باید جنگید!

فعال سیاسی

یادداشت

واقعیت صحنه سوریه

که می‌تواند زوایای دیگری از ماجرا را باز کند. «آیا ما شکست خوردیم؟»

برای پاسخ به چنین پرسشی یا دست‌کم نگاه به این پرسش، باید کمی درباره واقعیت صحنه حرف زد. منابع داخلی ازجمله چند نماینده مجلس اعلام کرده‌اند هزینه ایران در سوریه عددی بین ۳۰ تا ۵۰ میلیارد دلار بوده است و عضو سابق کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی هم عدد ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار را اعلام کرده است. دفتر نماینده سازمان ملل در امور سوریه نیز چند سال پیش گزارش داد که ایران به‌طور میانگین سالانه حدود شش میلیارد دلار در سوریه هزینه کرده است.

همه اینها جای خود اما دو روز پیش هم یک منبع سوری با انتشار یک اینفوگرافی عدد ۱۷ میلیارد دلار را صحیح دانست و معتقد بود اعدادی مانند هزینه ۵۰ میلیارد دلار، مربوط به کل منطقه است و صرفاً ۱۷ میلیارد دلار آن در سوریه هزینه شده است. تلفات انسانی جبهه مقاومت در سوریه نیز بخشی دیگر از واقعیت میدانی است که برخی از منابع مجموع آن را بالغ بر ۶۰۰۰ نفر می‌دانند. حالا که تحریرالشام آمده تصاویری هم منتشر می‌شود که بخش دیگری از واقعیت پنهان را نیز نشان می‌دهد. نفرت برخی از شهروندان سوری که تصور می‌کنند «ما» سال‌های سال دست‌کم از ۲۰۱۱ تاکنون، دیکتاتور کشورشان را بر مسند نگه داشته‌ایم.

ایندک اسد رفته است و تحریرالشام جای او را گرفته و از منظر تغییر یک حکومت در یک کشور ثالث، احتمالاً نباید موضوع اهمیت چندانی داشته باشد اما زمانی که حاکمیت به این نتیجه می‌رسد از «ترفتن» یک حاکم در کشور دیگر، با هزینه‌کرد «مالی» و «جانی» جلوگیری کند و وقتی، هم هزینه کرده و هم تلفات انسانی داده است و البته «میدان» را هم واگذار کرده، باید توضیح مناسبی به‌افکار عمومی بدهد. اکنون باید به مردم این توضیح را داد اگر در سوریه ۱۷ میلیارد دلار یا هر عدد دیگر هزینه کرده‌ایم و ۲۱۰۰ نفر هم مستقیماً از دست داده‌ایم، در قبالتش چه چیزی به دست آورده‌ایم. باز کردن این گره از ذهن مردم به نظر باید با قید فوریت انجام شود تا گره کوری نشود که وقتی بازکردنش با دست امکان‌پذیر بوده، اقدام نشده و بعد باید با دندان باز کرد که معلوم نیست توان دندان‌ها چنان باشد که در بازکردن کردن گره، موفق عمل کند یا خیر دندان‌ها در برخورد با جسم سخت از کار می‌ماند و حسابش با کرام‌الکاتبین خواهد بود!

این نکته را نباید فراموش کرد که اکنون اسد رفته است و یک عقل محاسبه‌گر اینطور محاسبه می‌کند که چرا ایران بشار را رها کرد؟ یامان باشد یا ما بشار اسد را دور زده‌ایم و به هر دلیل در نیست ماجرا بر سر رفتن او با دیگران توافق کرده‌ایم یا خیر چنین نیست و بشار از ما دور شده و به جای پذیرش خطوط کلی پیشنهادات ما، پیشنهاد دیگران را پذیرفته است و این یعنی ما نتوانستیم او را برای ماندن در کنار خودمان توجیه کنیم. در هر دو حال، نتیجه به نظر توفیری ندارد.

روزنامه‌نگار

حمیدرضا عظیمی - از روزی که حمله برق‌آسا در سوریه شروع شد، ۱۰ روز طول کشید، تا «هیات تحریرالشام» سوریه را فتح کند. گروهی که وقتی از سال ۲۰۱۱ وارد نزاع داخلی سوریه شدند، در قامت یک گروه تروریستی ظاهر شده و هنوز از نظر خیلی‌ها، تروریست است اما حالا این گروه به هر دلیل، در نگاه رسمی جمهوری اسلامی، از یک گروه تروریستی کم‌کم به «معارضین» و «گروه‌های مسلح مخالف» تغییر ماهیت داده‌اند و در دیگر سسو نیز کار به‌جایی رسیده که جو بایدن رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده آمریکا نیز با آنها کنار آمده و رسماً اعلام کرده که ممکن است نام این گروه از لیست گروه‌های تروریستی خارج شود.

جبهه النصره، خیلی‌ها می‌شناسند که البته با نام‌های مختلفی نامیده شده است. جبهه نصرت الشام، جبهه فتح الشام، (و هر چیز دیگری هم باشد، ماهیتا القاعده سوریه یا القاعده شام است)، که بعدها به هیات تحریر الشام تبدیل شد. این سازمان عملاً عقبه فکر جهادی سلفی دارد که قبل از عملیات اخیر و نظر جدید جو بایدن، توسط ایالات متحده به‌عنوان یک سازمان تروریستی شناخته شده بود. جبهه‌النصره در اواخر سال ۲۰۱۱ در جریان جنگ داخلی سوریه تشکیل شد. این گروه در طول جنگ‌هایش با دولت مرکزی، مسئولیت تعدادی حمله انتحاری در حلب و دمشق را بر عهده گرفته است. گزارش‌های اطلاعاتی سازمان سیا که همان سال‌ها منتشر شده و بارها نیز باز نشر شده است، تایید کرده که این گروه با القاعده‌عراق مرتبط بوده است.

جبهه‌النصره در اولین بیانیه خود در ۲۴ ژانویه ۲۰۱۲ از مردم سوریه خواسته بود تا علیه دولت سوریه جهاد کنند و اسلحه به دست بگیرند.

بقیه ماجرا در سال ۲۰۲۴ جولای چشم همه ما اتفاق افتاد. اینکه این گروه چطور پیش آمده و چگونه ارتش و دیگر نیروهای حامی اسد، قافیه را به این گروه باختند و آقای الجولانی و نیروهایش چطور شهر، پس از شهر را فتح کرده و در نهایت وارد کاخ حکومتی سوریه شد. همه اینها جلوی چشم ما اتفاق افتاد و بسیاری از کارشناسان این چند روز با حیرت اوضاع را رصد می‌کردند و این سؤال را در ذهن بارها و بارها مرور کردند که چگونه ممکن است دژی با این اوصاف، که تا پیش از این «عمود خیمه جبهه مقاومت» نامیده می‌شد و فرمانده قرارگاه عمار هم اهمیت این دژ را از استان خوزستان بیشتر می‌دانست، به راحتی آب خوردن و مانند یک هدیه ویژه به هیات تحریرالشام پیشکش شد؟

این سوال و البته تعداد دیگری از سوال‌هایی که هیچ وقت مطرح نمی‌شود در پی این است تا به این پاسخ برسد که چرا سوریه را به این راحتی به «تروریست‌های دیروز» که امروز «معارضین» خوانده می‌شوند و البته فردا «هیات حاکمه سوریه» خواهند بود؟ و البته باید در این نکته تاکید کرد که قرار نیست در این نوشته به مواردی درباره «جانی بودن اسد» یا «دیکتاتور بودن او» بپردازیم. نگاه این نوشته ارائه پاسخ به یک پرسش است